

اولویت‌بندی عوامل موثر بر ظرفیت درآمدهای مالیاتی ناشی از حقوق مالکیت معنوی

* مهدی آزموده * آرش هادی‌زاده * امیر محمدزاده
* دانشجوی دکتری گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، قزوین، ایران.

mahdiazmoodeh20@gmail.com

* استادیار گروه اقتصاد، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

arash.hadizade@gmail.com

* دانشیار گروه مدیریت مالی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

amn.1378@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۳

چکیده

زمینه و هدف: در کشور ایران تا به امروز موضوع مالیات بر دارایی‌های معنوی (فکری) از سمت دولت و سازمان امور مالیاتی مطرح نبوده است. اما بدلیل حجم قابل توجه این داراییها در اقتصاد ایران و همچنین داد و ستد و تجارت آنها مالیات بر آنها امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. بر همین اساس است که در محافل کارشناسی و علمی موضوع مالیات بر حقوق مالکیت معنوی به طور گسترده در حال بحث و بررسی است. هدف از انجام این پژوهش، شناسایی عوامل موثر بر ظرفیت درآمدهای مالیاتی ناشی از حقوق مالکیت معنوی با استفاده از نظریه داده بنیاد چندوجهی است.

یافته‌ها: تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که عوامل سیاسی، عملکردی، سازمانی به عنوان عوامل علی؛ توانایی سازمانی، سازمانها و ارگان‌ها، مدیریتی، بعنوان مقوله‌ها؛ عوامل سیستمی، انسانی، ساختاری، ملی، بعنوان عوامل زمینه‌ای؛ عوامل سازمانی، فرآیندی، اقتصادی، بعنوان عوامل مداخله‌گر؛ عوامل فنی و جامعه، بعنوان راهبردها و پیامدهای سازمانی و ملی بعنوان پیامدهای عوامل موثر بر ظرفیت درآمدهای مالیاتی ناشی از حقوق مالکیت معنوی شناسایی و استخراج گردید. نتیجه گیری: نقش منحصر به فرد تحقیق و توسعه در امر تولید، توسعه و رشد اقتصادی کشورها غیرقابل انکار است. در همه کشورهای توسعه یافته سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی به حوزه تحقیق و توسعه اختصاص داده می‌شود که منتج به منافع‌های اجتماعی بسیار زیادی برای این کشورها شده است.

واژه‌های کلیدی: درآمدهای مالیاتی، حقوق مالکیت معنوی، سازمان امور مالیات.

نوع مقاله: پژوهشی

۱- مقدمه

بودجه، معرف سلامت اقتصادی حکومت شناخته می‌شود و نقطه قوت سیستم اقتصادی هر کشوری، شفافیت و سلامت نظام اقتصادی از طریق اتکاء به منابع و درآمدهای مالیاتی می‌باشد. این در حالی است که در کشورهای توسعه نیافته،

امروزه درآمدهای مالیاتی یکی از مهمترین منابع درآمدی در بودجه اکثر دولت‌ها به ویژه کشورهای توسعه یافته بوده و به عنوان یک شاخص اقتصادی در رتبه‌بندی کشورها نیز مطرح است و میزان درآمدهای مالیاتی در قسمت منابع

نویسنده عهده‌دار مکاتبات: آرش هادی‌زاده Arash.hadizade@gmail.com

به فرد هریک از اقلام این دارایی‌ها، دشواری‌های مربوط به ارزیابی و تخمین عمر مفید آنها، مخاطرات فناوری جدید و... مالیات بر این دسته از اموال را چالش برانگیز و پیچیده می‌سازد (خوهان و ماینا، ۲۰۱۱). در کشور ایران نیز به دلیل این بحثها و پیچیدگیها تا به امروز موضوع مالیات بر دارایی‌های معنوی (فکری) از سمت دولت و سازمان امور مالیاتی مطرح نبوده است. اما بدلیل حجم قابل توجه این دارایی‌ها در اقتصاد ایران و همچنین داد و ستد و تجارت آنها مالیات بر آنها امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. بر همین اساس است که در محافل کارشناسی و علمای موضوع مالیات بر حقوق مالکیت معنوی به طور گسترده در حال بحث و بررسی است.

ظرفیت درآمدهای مالیاتی ناشی از حقوق مالکیت معنوی تحت تاثیر عوامل متعددی قرار می‌گیرد. برخی از مهم‌ترین مشکلات و عوامل موثر شامل موارد زیر هستند:

در کشورهای در حال توسعه، سیستم‌های مالیاتی ممکن است کارایی کافی نداشته باشند و این موضوع منجر به فرار مالیاتی و درآمدهای پایین‌تر از انتظار می‌شود؛ ضعف قوانین و مقررات مربوط به حقوق مالکیت معنوی و اجرایی نشدن مناسب این قوانین می‌تواند به کاهش ظرفیت درآمدهای مالیاتی منجر شود. (گولزی، ۱۹۹۸)

راهکارهای مقابله با این مشکلات شامل تقویت قوانین و مقررات، بهبود زیرساخت‌های نظارتی، ارتقای آگاهی عمومی، تقویت همکاری‌های بین‌المللی و مبارزه با فرار مالیاتی و اقتصاد زیرزمینی می‌باشند. و همچنین قوانین و مقررات مربوط به حقوق مالکیت معنوی در ایران ممکن است به اندازه کافی جامع و به‌روز نباشند. همچنین، اجرایی نشدن موثر این قوانین می‌تواند به کاهش ظرفیت درآمدهای مالیاتی منجر شود. با وجود پتانسیل بالای حقوق مالکیت معنوی در ایران، مشکلات متعددی مانند ضعف در قوانین و مقررات، کمبود زیرساخت‌های اجرایی و نظارتی، پایین بودن آگاهی عمومی، تکثیر غیرمجاز، ناکارآمدی سیستم قضایی، وجود اقتصاد غیررسمی و فرار مالیاتی، و عدم همکاری‌های بین‌المللی، منجر به کاهش درآمدهای مالیاتی از این حوزه

اتکاء دولت به درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی و زیرزمینی همچون نفت خام که در حقیقت فروش سرمایه محسوب می‌گردد، مشکلات ساختاری به وجود آورده که با نوسانات قیمت جهانی این گونه منابع طبیعی، بودجه آن کشور تحت تأثیر قرار گرفته و دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده دچار مشکل می‌شود و به مرور این شکاف در طی سالیان متمادی عمیق تر می‌گردد. ماحصل این اقدام، یک اقتصاد ناسالم و بی ثبات خواهد بود که بالا بودن اختلاف طبقاتی و تبعات بعدی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی آن از نشانه‌های آن است (زهی و محمدخانی، ۱۳۸۹). این در حالی است که کشورها مذکور می‌توانند با تمرکز بر موضوع مالیات بسیاری از چالشهای مذکور را رفع کنند. با توجه به تأثیرات قابل ملاحظه مالیات بر متغیرهای اقتصادی، همواره اتخاذ یک سیاست مالیاتی مناسب علاوه بر تأمین مالی دولت، کمترین اختلال را در اقتصاد و فرآیند توسعه اقتصادی کشور برجای می‌گذارد (احمدزاده، ۱۳۹۴). دستاوردهای فکری و اعتبارات اجتماعی از قبیل اختراعات، علائم تجاری و... با اینکه به سختی به دست می‌آید، اما به مدد وسایل صنعتی و مکانیکی به راحتی تقلیدپذیر و قابل تکثیر و توزیع است، نتیجه این وضعیت آن است که منافع مادی و اقتصادی دارایی‌های معنوی، در دست تکثیرکنندگان و تقلیدکنندگان قرار می‌گیرد و چنانچه پدید آورنده حمایت نشود، چه بسا کسی حاضر نشود اندوخته‌های خود را به راحتی در اختیار دیگران قرار دهد (پورابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۷) به همین دلیل حقوق مالکیت فکری در عمده کشورها به رسمیت شناخته شده است. مسئله قابل توجه، نحوه و چگونگی اخذ مالیات از این دسته از اموال است. هرچند سیستم مالیاتی مطلوب، به نظر بایستی با در نظر گرفتن منافع متقابل پییزی شود به این معنا که اولاً: همگام با اعطای حقوق انحصاری به این دارایی‌ها، ممانعتی را در امار تجاری‌سازی و داد و ستد این دسته از اموال ایجاد نکند و ثانیاً: در راستای حمایت از درآمد مالیاتی دولت‌ها در ابعاد داخلی و خارجی راه‌گریز و فرار مالیاتی را مسدود نماید لیکن طبیعت غیر ملموس و غیرمادی این دسته از اموال که بعضاً در مواردی تشخیص انتقال آنها را دشوار می‌سازد، وجود تمایز و ویژگی منحصر

1. Goolsbee



داده و در صورت لزوم به روز رسانی مستمر می‌نماید. بر اساس این روند، کشورهای عضو این سازمان و حتی کشورهای غیرعضو قوانین و سیاست‌های ملی خود را با یافته‌ها و معیارهای تعیین‌شده توسط سازمان برای همکاری و توسعه اقتصادی هماهنگ می‌کنند تا هر چه بیشتر از این منابع مالی بهره ببرند. دستورالعمل‌ها و قوانین اقتصادی. سرعت بهبود مقررات مالیاتی مربوط به مالکیت فکری امروز رژیم‌های مالیاتی کشورها در حوزه مالکیت فکری قبل از اینکه دستور صادر شده در ۱۰ اکتبر ۲۰۱۵ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به طور کلی در نظر گرفته شود، جمع آوری شده است. این یک قانون قدیمی و بی اثر است. به همین دلیل، در حال حاضر، اکثر کشورهای توسعه یافته و صنعتی غربی، مقررات مالیاتی ملی خود را بر اساس دستورالعمل سازمان همکاری اقتصادی و توسعه بهبود یا بهبود بخشیده اند. با این حال، مقررات مالیاتی ما با این دانش جدید و بهبود یافته در دنیای امروز که به خوبی آزمایش شده است، فاصله زیادی دارد. لازم به ذکر است که قانون مشخصی در خصوص مالیات بر درآمد دارایی‌های فکری وجود ندارد، ضعف و کمبود منابع و تحقیقات قانونی در زمینه مالیات بر درآمد دارایی‌های فکری، اهمیت روزافزون مالکیت فکری به عنوان یکی از عوامل تولید در این حوزه است. جنبه‌های اقتصادی و سهولت و سهولت در تغییر روش‌های اجتناب مالیاتی مودیان درگیر در پرداخت مالیات بر درآمد حاصل از مالکیت معنوی، نیاز و اهمیت تحقیقات آتی را برجسته کرده است. در این دیدگاه باید گفت که رشته مهم حقوق مالیاتی و سایر گرایش‌های مرتبط از جمله مباحث مالیاتی مرتبط با درآمدهای حاصل از مالکیت فکری در دانشکده حقوق جایگاه مناسبی پیدا نکرده است (آزموده و همکاران، ۱۴۰۱).

از منظر حقوق اقتصادی، مالکیت به دو دسته تقسیم می‌شود: مالکیت فیزیکی (مالکیت دارایی‌ها و دارایی‌های فیزیکی) و مالکیت معنوی (اموال و دارایی‌های نامشهود). مالکیت فیزیکی برای ایجاد و بازآفرینی نیاز به پول دارد، اما ایجاد و ایجاد مالکیت فکری مستلزم استفاده از پول و تلاش است، اما استفاده مجدد از آن مستلزم استفاده از انرژی نیست. به طور کلی در مورد مالکیت معنوی ۸ عنصر

شده است. این مسئله نیازمند بررسی جامع و ارائه راهکارهای موثر است. و سوالاتی که طرح می‌گردد عوامل موثر بر کاهش ظرفیت درآمدهای مالیاتی ناشی از حقوق مالکیت معنوی در ایران چیست؟ و چگونه می‌توان قوانین و مقررات مربوط به حقوق مالکیت معنوی را بهبود بخشید تا درآمدهای مالیاتی افزایش یابد؟

۲- مبانی نظری و مرور ادبیات

۲-۱- مبانی نظری

برخلاف قانونگذار کشور ما که تنها در چند ماده از قانون مالیات‌های مستقیم و آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از شرکت‌ها و موسسات دانش‌بنیان و تجاری سازی نوآوری‌ها و اختراعات، به موضوع مالیات بر درآمدهای حاصل از اموال فکری اشاره کرده است، امروزه همه کشورهای توسعه یافته به منظور وضع مالیات بر درآمدهای حاصل از مالکیت فکری، سیستم‌های مالیاتی مستقل و علی‌حده‌ای را تدوین کرده‌اند که از آنها به Box Patent یاد می‌شود x یک سیستم مالیاتی است که بر درآمدهای حاصل از اموال فکری نظیر حق ثبت اختراع، علامت تجاری و کپی رایت متمرکز می‌باشد Patent Boxها سیاست‌های مالیاتی علی‌حده‌ای هستند که با دقت و ظرافت خاصی تدوین می‌شوند تا ضمن معاف کردن و یا اخذ مالیات مناسب از درآمدهای حاصل از اموال فکری، رویکردهای تشویقی جهت شکوفایی پژوهش و توسعه (R&D)^۱ را اتخا کنند در همین راستا، این سیاست‌های حقوقی، اموال فکری را جدای از سایر مأخذهای مالیاتی در نظر گرفته‌اند و با لحاظ کردن شرایطی ویژه برای این اموال، مالیات‌های نسبتاً کمتری را برای آنها وضع می‌کند (آزموده و همکاران، ۱۴۰۱).

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)^۲ که مهمترین سازمان بین‌المللی امروزی است، دستورالعمل‌ها و مقررات اضافی را برای ایجاد یک سیستم مالیاتی سیستماتیک ایجاد کرده است. این سازمان دستورالعمل‌ها و مقررات مالیاتی خود را تحت بررسی و مطالعه مستمر قرار

1. Research and Development
2. The Organisation for Economic Cooperation and Development

۲-۱-۱-۲- فقدان قوانین مشخص در مورد مالیات بر درآمد از مالکیت فکری

برخلاف اکثر کشورهای پیشرفته که در سالهای اخیر متناسب با موازین و دستورالعمل‌های سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) سیستم مالیاتی مستقل و خاصی را برای وضع مالیات بر درآمدهای حاصل از اموال فکری اتخاذ کرده‌اند، در ایران قانونی مستقل برای تقویم و وضع مالیات بر درآمدهای حاصل از اموال فکری وجود ندارد. تنها در ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم، قانونگذار به وضع مالیات تکلیفی بر برخی موضوعات وزارتخانه‌های مورد حمایت و فعالیت‌های مرتبط با حقوق مالکیت فکری، اشاره کرده است. به موجب این ماده موسسات دولتی، شهرداری‌ها، موسسات وابسته به دولت و کلیه اشخاص حقوقی اعم از انتفاعی و غیرانتفاعی و اشخاص موضوع بند الف ماده ۹۵ این قانون مکلفند در مواردی چون نویسندگی، تألیف و تصنیف، آهنگ‌سازی، نوازندگی، هنرپیشگی، خوانندگی، نقاشی و... و جوهری که بابت حق نمایش فیلم به هر عنوان پرداخت می‌کنند پنج درصد آن را به عنوان علی الحساب مالیات مؤدی (دریافت کنندگان وجوه) کسر و ظرف سی روز به حساب تعیین شده از طرف اداره امور مالیاتی ربط واریز کنند. به موجب ماده ۱۴۴ این قانون، درآمدی که مخترعین بابت حق اختراع تحصیل می‌کنند و همچنین درآمد ناشی از فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقاتی مراکزی که دارای پروانه تحقیق از وزارتخانه‌های صالح هستند به مدت ده سال از تاریخ اجرای این اصلاحیه مطابق با ضوابط مقرر در آیین‌نامه مربوطه از پرداخت مالیات معاف می‌باشند.

۳- پیشینه پژوهش

۱-۳- پیشینه خارجی

کوستاریکووا و چوباتووا (۲۰۱۴) با بررسی حمایت از مالکیت فکری در جمهوری چک بیان کردند که مالکیت فکری ابزار مهمی است که به بهبود موقعیت رقابتی شرکت‌ها در بازار کمک می‌کند. هدف اصلی مطالعه آنها ارزیابی بار مالیاتی شرکت‌های نوآور با تمرکز بر مزایای مالیاتی مربوط به درآمد

استاندارد شامل حق چاپ، حق ثبت اختراع، علامت تجاری، موضوع اسرار تجاری، قانون اعتماد، کپی رایت، حق طراحی و حق طراحی سه بعدی وجود دارد. برخی کشورها برای تقویت و ارتقای خلاقیت و نوآوری در جامعه، سیاست‌های حمایتی مرتبط با حقوق مالکیت فکری را وضع کرده‌اند و البته برخی کشورها نیز برای معاملات و مبادلات مربوط به مالکیت فکری مالیات تعیین کرده‌اند. در ادامه به مطالعات تجربی مرتبط مهم اشاره می‌شود. (فرازمند و همکاران، ۱۳۸۷)

۲-۱-۱-۲- بررسی نظام مالیات بر مالکیت فکری در ایران

- در قوانین مالیاتی ایران، در خصوص مالیات بر درآمد حاصل از مالکیت فکری، قوانین موجود غالباً به درآمد حاصل از تأمین بهره‌برداری مالی و منافع تجاری از مالکیت فکری اشاره می‌کند، مانند مالکیت فکری دسته دوم. در این قسمت به بررسی معایب آشکار نظام مالیاتی ایران از نظر مالکیت معنوی و سپس شکل کلی مالیات بر دارایی معنوی در حقوق ایران می‌پردازیم.

۲-۱-۱-۲- معایب اصلی نظام مالیات بر مالکیت معنوی

در ایران

تبیین چند مسئله می‌تواند ضرورت و اهمیت انجام پژوهش پیش رو را بیش از پیش برای مخاطب روشن کند:

- (۱) نبود قانونی خاص پیرامون وضع مالیات بر درآمدهای ناشی از مالکیت فکری،
- (۲) ضعف و کمبود منابع و پژوهش‌های حقوقی در زمینه وضع مالیات بر درآمدهای ناشی از مالکیت فکری،
- (۳) رشد روزافزون اهمیت اموال فکری به مثابه یکی از عوامل تولید در عرصه اقتصاد
- (۴) سهل و آسانتر بودن توسل به شیوه‌های فرار مالیاتی توسط مودیان مربوطه در زمینه پرداخت مالیات بر درآمدهای ناشی از مالکیت فکری.

در ادامه هر یک از این موارد به اختصار توضیح داده خواهد شد.



از حقوق مالکیت فکری امکان نوآوری و بهبود فرآیندهای فناوری بیشتر را فراهم می‌کند که تأثیر مثبتی بر اقتصاد دارد.

۳-۲- پیشینه داخلی

(فلاحی و همکاران ۱۴۰۰) به بررسی برآورد ظرفیت مالیاتی کشور با استفاده از شبکه‌های عصبی پرداختند. بررسی چگونگی افزایش درآمد مالیاتی به عنوان بخشی از درآمدهای دولت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این راستا، یک برآورد دقیق از ظرفیت مالیاتی و شناخت منابع موجود آن، ضروری به نظر می‌رسد. مناسب‌ترین معیار برای محاسبه و برآورد این ظرفیت که می‌توان به صورت بالقوه از آن مالیات گرفت، پایه‌ی مالیاتی بخش‌های مختلف اقتصادی می‌باشد. بدین منظور، ارزش افزوده بخش‌ها در کشور نیز محاسبه شده است. در این مطالعه از روش مدل‌سازی شبکه عصبی استفاده شده است که در آن متغیرهای مستقل به عنوان لایه‌ی ورودی وارد سیستم یادگیری شبکه عصبی می‌شوند. متغیرهای ورودی در مدل یعنی، نرخ تورم، ضریب جینی، نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت، درجه باز بودن اقتصاد و سهم ارزش افزوده بخش‌های کشاورزی و صنعت از تولید ناخالص داخلی، متغیرهای مستقل مدل را تشکیل می‌دهند و متغیر وابسته یا تابع که همان ظرفیت مالیاتی است، حکم لایه خروجی را در شبکه عصبی دارد. بر حسب روش آزمون و خطا برای لایه‌های پنهان و گره‌های هر لایه، شبکه عصبی به صورت مناسب انتخاب می‌شود. در این مدل آموزش از روش داخل شبکه‌ای (batch) و از رویکرد پرسپترون چندلایه‌ی (MPL) بصورت پیشرو و بدون بازخورد استفاده شده است.

ماهرخ مقدم، مجیدی و مظفری (۱۳۹۸) از روش دلفی برای تحقیق در مورد موضوع و شناسایی عوامل مؤثر بر حقوق مالکیت معنوی در فضای مجازی استفاده کردند. جامعه آماری این پژوهش شامل صاحب‌نظران، نویسندگان، اساتید و فعالان حوزه حقوق، ارتباطات و فناوری اطلاعات است که دارای تجربه و تخصص لازم در زمینه مالکیت فکری هستند. نمونه مورد مطالعه به عنوان نمونه گلوله برفی انتخاب شد. با توجه به نتایج این تحقیق، عوامل مؤثر بر حقوق مالکیت

حاصل از مالکیت فکری و هدف دوم ارائه موضوع حمایت از مالکیت فکری (تعریف و نظام حقوقی فعلی) است.

گریف و همکاران (۲۰۱۴) بیان کردند که مالکیت معنوی سهم فزاینده‌ای از دارایی‌های شرکت را تشکیل می‌دهد. جابجایی این سرمایه بیشتر از سایر انواع سرمایه است و شرکت‌ها می‌توانند از آن برای انتقال درآمد به خارج از کشور و کاهش بدهی مالیات بر درآمد شرکت استفاده کنند. آنها در مطالعه خود نشان دادند که تغییر در سیاست مالیاتی مربوط به حقوق مالکیت معنوی، ترکیب دارایی‌های شرکت (معنوی و مادی) را تغییر می‌دهد.

اشنایدر (۲۰۰۵) در مطالعه‌ی با عنوان "تجارت بین المللی، رشد اقتصادی و حقوق مالکیت فکری" اهمیت حمایت از حقوق مالکیت معنوی، واردات محصولات با فناوری پیشرفته و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر نوآوری و رشد سرانه تولید ناخالص داخلی را بررسی کرد. این مدل برای گروهی متشکل از ۴۷ کشور در سال ۱۹۷۰ پیش‌بینی شد. نتایج توسعه‌یافته و توسعه‌یافته در طول دهه ۱۹۹۰ نشان می‌دهد که نوآوری به حمایت از حقوق مالکیت معنوی پاسخ مثبت می‌دهد. اشنایدر با تقسیم کشورها به کشورهای در حال توسعه و در حال توسعه دریافت که حقوق مالکیت معنوی در کشورهای توسعه‌یافته تأثیر مثبتی بر اختراع دارد، اما این تأثیر در اکثر موارد در کشورهای در حال توسعه منفی و قابل توجه است.

کانور و اوآنسون (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان "آیا حقوق مالکیت معنوی باعث تحریک تغییرات تکنولوژیکی می‌شود؟" آنها رابطه بین حقوق مالکیت معنوی و رشد اقتصادی را بررسی کردند. در این مطالعه از مدل پانل برای ۲ دوره و برای ۳۲ کشور استفاده شد. آنها از معیاری برای تأثیر حمایت از حقوق مالکیت معنوی بر نوآوری استفاده می‌کنند که از نسبت سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه به تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید. نتایج وی نشان داد که حمایت از حقوق مالکیت فکری تأثیر مثبت و معناداری بر سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه دارد و بنابراین حمایت

1 - Griffith et al

2 - Schneider

3 - Kanwar & Evenson

شده است. از روایی محتوایی برای تأیید روایی استفاده شده است. برای تأیید اعتبار محتوا به صورت کمی، دو ضریب همبستگی اعتبار محتوا (سی.وی.آر) ۱ و شاخص اعتبار محتوا (سی.وی.آی) مورد استفاده قرار گرفت (شولتز و همکاران ۳، ۲۰۱۳). برای سنجش روایی محتوا، دو پرسشنامه بین خبرگان توزیع شد. سی.وی.آر: برای محاسبه، پرسشنامه برای بخش سی.وی.آر تقسیم می‌شود و کارشناسان و مطلعین بر اساس مقیاس طیف لیکرت "ضروری"، "مفید اما نه ضروری"، "آیا" علاوه بر این، برای محاسبه سی.وی.آی از روش والتز و بازل، ۴ سوال "مرتبط نیست"، "تا حدودی مرتبط"، "مرتبط اما نیاز به بازبینی" و "کاملاً مرتبط" توزیع شد و نتایج زیر به دست آمد:

- مقادیر مجاز برای شاخص سی.وی.آر (براساس جدول لاشه به نقل از حاجی‌زاده): ۰/۴۲

- مقادیر مجاز برای شاخص سی.وی.آی: ۰/۷۹
فرمول محاسبه این دو شاخص به صورت زیر است. n_e تعداد متخصصانی هستند که به گزینه «ضروری است» رای داده‌اند و N تعداد کل متخصصان (۲۰) است.

$$CVR = \frac{ne - \frac{n}{2}}{\frac{n}{2}} \quad CVI = \frac{\text{نسبت تعداد ارزیابی که به آیتم نمره 3 و 4 داده اند}}{\text{تعداد کل ارزیابان}}$$

در جدول ۱ و ۲، مقادیر محاسبه شده برای شاخص سی.وی.آر و سی.وی.آی گزارش شده است.

جدول ۱. مقادیر CVR

CVR	مؤلفه اصلی
۰/۵۶۱	شرایط علی
۰/۵۱۷	پیامدها
۰/۶۰۳	راهبردها
۰/۵۰۳	عوامل مداخله‌گر
۰/۴۴۲	عوامل زمینه‌ای

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به جدول فوق، مقادیر شاخص ضریب نسبی روایی محتوایی (CVR) که همگی بالاتر از ۰/۴۲ هستند؛ تمامی متغیرها از نسبت روایی محتوایی مناسبی برخوردار هستند و تعاریف عملیاتی با محتوای سؤالات آنها مرتبط هستند.

1. Content Validity Ratio
2. Content Validity Index
3. Schultz et al

معنوی در حوزه کتاب و نشریات اینترنتی در بسیاری از زمینه‌ها، در واقع پس از اجرای روش دلفی و اجماع کارشناسان، چهار حوزه را بر حقوق مالکیت معنوی تأثیر می‌گذارد. حوزه‌های رسانه، حقوق، فلسفه و فناوری تعریف شده است که در ۴ حوزه نیاز به سیاست‌گذاری مناسب در موضوع حقوق مالکیت معنوی است.

نژاد نوری و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای پژوهشی با عنوان مدلی از نظام حقوق مالکیت فکری جمهوری اسلامی ایران، از مدل تحلیل ساختاری برای یافتن ابعاد مدل مقیاس نظام ملی حقوق مالکیت فکری ایران استفاده کرد. با یک مطالعه نظری سیستماتیک و عمیق، چارچوب مفهومی تحقیق ایجاد شد و پرسشنامه‌ای به جامعه آماری ارائه شد و پاسخ‌های به دست آمده از تحلیل و ابعاد اصلی سیستم مشخص شد. برای تعیین رابطه بین ابعاد و ترتیب اهمیت و سطح آن از مدل سازی ساختاری ترجمه‌ای استفاده شد. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که: در میان دامنه، گستره قانون گذاری/قوانین و مقررات، پس از سیاست گذاری و مدیریت به عنوان یک بعد مهم مستقل (پایین ترین سطح)، بیشترین تأثیر را در تشویق اجرای موفق دارد. از سیستم حبیب‌ا و دره شیری (۱۳۹۳) مالیات بر درآمد مالکیت فکری در ایران را از منظر حقوقی بررسی کردند. در مطالعه آنها، نحوه دریافت مالیات بر درآمد و وجوه از مدل تجاری مالکیت فکری، با مطالعه تطبیقی رفتار داخلی مالیات بر درآمد در برخی از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، مورد بررسی قرار گرفت. در پایان اقدامات اصلاحی را برای ایجاد چارچوب قانونی مناسب و ویژه در مقررات مالیاتی پیشنهاد کردند.

۴- روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی می‌باشد. تحقیق کاربردی یا عملی بر اساس نیاز عملی جامعه به منظور حل مسائل و دشواری‌های اجتماعی انجام می‌گیرد (کامران و نیک خلق، ۱۳۸۶). این تحقیق از نظر روش، تحقیقی توصیفی، همبستگی و پیمایشی به شمار می‌رود.

در این تحقیق جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از روش میدانی و با ابزار پرسشنامه و برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده



جدول ۲. مقادیر CVI

مؤلفه اصلی	CVI
شرایط علی	۰/۸۳۶
پیامدها	۰/۹۰۵
راهبردها	۰/۹۵۵
عوامل مداخله‌گر	۰/۸۷۷
عوامل زمینه‌ای	۰/۸۶۷

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به جدول ۲ مقادیر شاخص روایی محتوایی CVI هستند؛ همگی بالاتر از ۰/۷۹ هستند؛ تمامی متغیرها از روایی محتوایی مناسبی برخوردار هستند و تمامی متغیرها از ارتباط مناسبی برخوردار هستند. فرمول تخمین پایایی بین کدگذاری در دو فاصله زمانی بدین ترتیب است:

$$100 \times (\text{تعداد کل کدها}) / (\text{تعداد توافقات} * 2) = \text{درصد پایایی بازآزمون}$$

جدول ۳. محاسبات مربوط به پایایی بازآزمون

ردیف	کد مصاحبه شونده	مجموع کدهای دو کدگذار	تعداد کدهای مورد توافق	تعداد کدهای ناموفق	پایایی بازآزمون
۱	مصاحبه ۱	۱۴۵	۶۶	۲۵	٪۹۱
۲	مصاحبه ۸	۱۵۹	۷۳	۱۲	٪۹۱
۳	مصاحبه ۱۲	۸۰	۳۹	۴	٪۹۷
۴	مصاحبه ۱۸	۱۰۶	۴۸	۲۳	٪۹۰
	مجموع	۴۹۰	۲۲۶	۶۴	٪۹۲

منبع: یافته‌های پژوهش

ایجاد شدند. کدگذاری، به‌طور مستقیم از متن مصاحبه شرکت‌کنندگان و یا با توجه به موارد در نهایت، متن مصاحبه‌ها مورد بررسی بیشتر قرار گرفتند و تجزیه و تحلیل داده‌ها با دقت بیشتر، بیش از ده بار جهت رسیدن به اشباع منطقی، انجام شد. برای مقوله‌های اصلی، ابعاد و ویژگی‌های آنها به صورت تکراری انجام شد. حدود هر مقوله و ابعاد آنها در آغاز تجزیه و تحلیل به‌صورت قطعی تعیین نشد و این مقوله‌ها در سراسر تجزیه و تحلیل مورد تجدید نظر قرار گرفتند.

۴-۱- تحلیل مدلیابی معادلات ساختاری

در این قسمت فرضیه اصلی با استفاده از مدلیابی معادلات ساختاری قابل اثبات یا رد می‌باشد. در صورتی که مقدار آماره تی خارج بازه بحرانی (قدر مطلق آن از مقدار ۱/۹۶ بزرگتر گردد) می‌توان گفت فرضیه تحقیق مورد تایید می‌باشد. مقدار بتای مثبت نشان از همبستگی مثبت میان دو متغیر می‌باشد.

مجموع در این پژوهش برای محاسبه پایایی باز آزمون، ۴ مصاحبه از بین مصاحبه‌های صورت گرفته انتخاب شد و هر کدام از مصاحبه‌ها در یک فاصله یک ماهه توسط پژوهشگر مجدد کدگذاری شدند. و با استفاده از فرمول مربوط به پایایی باز آزمون، پایایی محاسبه شده برابر ۹۲ درصد است، با توجه به اینکه این میزان پایایی از ۶۰٪ بیشتر است (کویل به نقل از خوانسار، ۱۳۸۸) قابلیت اعتماد کدگذاری‌های مصاحبه‌های این پژوهش مورد تایید می‌باشد.

۴-۲ یافته‌های پژوهش

پس از انجام مصاحبه‌ها و پیاده‌سازی آنها طی فرآیندی متن مصاحبه‌ها برای یافتن عوامل اصلی به‌طور منظم مورد بررسی قرار گرفتند. در گام اول از متن مصاحبه‌ها گزاره‌ها (ابعاد و ویژگی‌ها) استخراج شدند. در مرحله بعد، داده‌ها در سطح جمله و عبارت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و خرده مقولات کشف شدند. یعنی پس از استخراج گزاره‌ها با دسته‌بندی‌هایی که صورت گرفت عوامل تدوین شدند. هنگام تجزیه و تحلیل دقیق داده‌ها، مفاهیم دارای اشتراکات

فرضیه اصلی تحقیق و نتیجه‌گیری درباره آنها

جدول ۴. نتایج حاصل از تحلیل مدل معادلات ساختاری: فرضیه ۱ تا ۵

نتیجه آزمون	T-value	ضریب استاندارد	متغیر وابسته	متغیر مستقل
رد H_0	۱۰/۳۶	۰/۶۳	مقوله‌ها	عوامل علی
رد H_0	۱۷/۳۷	۰/۸۷	راهبردها	مقوله‌ها
رد H_0	۱۱/۴۸	۰/۶۹	پیامدها	راهبردها
رد H_0	۱۳/۱۹	۰/۷۴	راهبردها	عوامل زمینه‌ای
رد H_0	-۱۷/۰۳	-۰/۸۵	راهبردها	عوامل مداخله‌گر

آنجایی که ضریب همبستگی (ضریب استاندارد) بین دو متغیر برابر با ۰/۶۹ است، می‌توان نتیجه گرفت که استراتژی

تأثیر مستقیم، مثبت و معناداری بر نتایج دارد و شدت این تأثیر کاملاً قوی است (۰/۶۹). بنابراین فرضیه سوم تحقیق تایید شد.

فرضیه ۴- عوامل اساسی (نظام-انسانی-ساختاری-ملی) بر استراتژی تأثیر زیادی دارند.

با توجه به اینکه مقدار معنی‌داری (T-value) بین دو متغیر عامل پایه و استراتژی برابر با ۱۳/۱۹ و بزرگتر از ۱/۹۶ است، بنابراین عامل پایه بر استراتژی تأثیر معناداری دارد. همچنین از آنجایی که ضریب همبستگی (ضریب استاندارد) بین دو متغیر برابر با ۰/۷۴ است، می‌توان نتیجه گرفت که عامل اساسی تأثیر مستقیم، مثبت و مهمی بر استراتژی دارد و شدت این تأثیر کاملاً قوی است (۰/۷۴). بنابراین، فرضیه چهارم تحقیق تایید شد.

فرضیه ۵- عوامل مداخله‌گر (سازمان - فرآیند - اقتصاد) بر استراتژی تأثیر بسزایی دارند.

در نظر بگیرید که مقدار معنی‌داری (T-value) بین دو متغیر عوامل مداخله‌گر و استراتژی برابر با ۱۷/۰۳ و کمتر از ۱/۹۶- باشد، در این صورت عامل مداخله‌گر بر استراتژی تأثیر معناداری دارد. همچنین از آنجایی که ضریب همبستگی (ضریب استاندارد) بین دو متغیر برابر با ۰/۸۵- است، می‌توان نتیجه گرفت که عامل مداخله‌گر تأثیر معکوس، منفی و مهمی بر استراتژی دارد و شدت این تأثیر کاملاً قوی است. (۰/۸۵-). به‌بنابراین نظریه پنجم تحقیق تایید می‌شود.

فرضیه ۱- عوامل علی (سیاسی-کارکردی-سازمانی) بر مقولات (توانایی-سازمانی و مدیریتی-اداری) تأثیر بسزایی دارد.

در نظر بگیرید که مقدار عدد معنی‌دار (T-value) بین دو متغیر عامل علی و مقوله برابر با ۱۰/۳۶ و بزرگتر از ۱/۹۶ باشد، در این صورت عامل علی بر مقوله تأثیر معناداری دارد. همچنین از آنجایی که ضریب همبستگی (ضریب استاندارد) بین دو متغیر برابر با ۰/۶۳ است، می‌توان نتیجه گرفت که عامل علی تأثیر مستقیم، مثبت و معناداری بر مقوله دارد و شدت این تأثیر کاملاً قوی است (۰/۶۳). بنابراین، فرضیه اول تحقیق تایید شد.

فرضیه ۲- مقوله تأثیر بسزایی بر استراتژی (اجتماعی-فنی) دارد.

با توجه به اینکه مقدار عدد معنی‌دار (T-value) بین دو متغیر نوع و استراتژی برابر با ۱۷/۳۷ و بزرگتر از ۱/۹۶ است، پس نوع بر استراتژی تأثیر بسزایی دارد. همچنین از آنجایی که ضریب همبستگی (ضریب استاندارد) بین دو متغیر برابر با ۰/۸۷ است، می‌توان نتیجه گرفت که نوع تأثیر مستقیم، مثبت و مهمی بر استراتژی دارد و شدت این تأثیر کاملاً قوی است (۰/۸۷). بنابراین فرضیه دوم تحقیق تایید شد.

فرضیه ۳- استراتژی تأثیر بسزایی بر نتایج (سطح ملی-سازمانی) دارد.

با توجه به اینکه مقدار معناداری (T-value) بین دو متغیر استراتژی و پیامدها برابر با ۱۱/۴۸ و بیشتر از ۱/۹۶ است، بنابراین استراتژی تأثیر بسزایی بر پیامدها دارد. همچنین از

خطای استاندارد اثر غیرمستقیم می‌توان فرضیه صفر را در مقابل فرض مخالف آزمون کرد. آماره Z برابر است با نسبت a به خطای استاندارد آن. به عبارت دیگر مقدار Z -Value را از رابطه زیر بدست می‌آوریم:

$$Z - \text{Value} = \frac{a - b}{\sqrt{(b^2 * s_a^2) + (a^2 * s_b^2) + (s_a^2 * s_b^2)}}$$

در این رابطه:

a : ضریب مسیر میان متغیر مستقل و میانجی

b : ضریب مسیر میان متغیر میانجی و وابسته

S_a : خطای استاندارد مسیر متغیر مستقل و میانجی

S_b : خطای استاندارد مسیر متغیر میانجی و وابسته

همچنین، می‌توان با استفاده از t_a و t_b (جایی که t_a و t_b آمار آزمون t برای تفاوت بین ضرایب a و b و صفر هستند)، مقدار معنی داری آزمون سوپل را سنجید. مقادیر p گزارش شده (تا ۸ رقم اعشار) از توزیع نرمال واحد با فرض آزمون Z دو طرفه این فرضیه که اثر واسطه‌ای برابر با صفر در جامعه است، استخراج می‌شوند. $+۱/۹۶$ -/ مقادیر بحرانی نسبت آزمون هستند که شامل ۹۵ درصد مرکزی توزیع نرمال واحد هستند.

فرضیه ۶- شرایط علی بر راهبردها از طریق مقوله‌ها تأثیر معناداری دارد.

جدول ۵. نتایج حاصل از تحلیل مدل معادلات ساختاری:

فرضیه ۶

فرضیه	نوع تأثیر	ضریب مسیر	آماره t	نتیجه فرضیه
شرایط علی ← مقوله‌ها	مستقیم	۰/۶۳	۱۰/۳۶	تأیید
مقوله‌ها ← راهبردها	مستقیم	۰/۸۷	۱۷/۳۷	تأیید
شرایط علی ← مقوله‌ها	غیرمستقیم	۰/۵۴	۱۳/۸۶	تأیید

همانطور که نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد، شرایط علی بر مقوله‌ها دارای اثر مثبت، مستقیم و معناداری برابر با ۰/۶۳ می‌باشد و همچنین مقوله‌ها نیز بر روی راهبردها دارای اثر مثبت، مستقیم و معناداری برابر با ۰/۸۷ می‌باشد، لذا فرضیه شماره ۶ یعنی میانجی بودن مقوله‌ها در رابطه بین شرایط علی و راهبردها نیز تأیید می‌شود. با تأیید نقش میانجی مقوله‌ها، شرایط علی دارای اثر غیرمستقیم، مثبت و معناداری برابر با ۰/۵۴ بر روی راهبردها می‌باشد.

آزمون سوپل

بطور کلی در آزمون سوپل می‌توان از تخمین نرمال برای بررسی معنی‌داری رابطه استفاده کرد. با داشتن برآورد

جدول ۶. آزمون متغیر میانجی آزمون سوپل

نتیجه آزمون	z-value			سطح معنی داری	مقدار t	متغیر ملاک	متغیر پیش بین
	گودمن	آرویان	سوپل				
H_0 رد	۸,۹۰۸	۸,۸۸۶	۸,۸۹۷۶	۰/۰۰۱	۱۰/۳۶	مقوله‌ها	شرایط علی
					۱۷/۳۷	راهبردها	مقوله‌ها

۱ را اختیار می‌کند و هر چه این مقدار به ۱ نزدیکتر باشد، نشان از قوی تر بودن تأثیر متغیر میانجی دارد. در واقع این مقدار نسبت اثر غیر مستقیم به اثر کل را می‌سنجد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳).

روش محاسبه فرمول VAF:

نتایج جدول (۶) نشان می‌دهد که مقدار Z (۸/۸۹) از ۱/۹۶ بزرگتر است بنابراین فرض H_0 رد می‌شود. یعنی بین شرایط علی با راهبردها با توجه به نقش میانجی مقوله‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد.

برای تعیین اثر غیرمستقیم از طریق متغیر میانجی از آماره‌ای به نام VAF استفاده می‌شود که مقداری بین ۰ و

نتایج جدول (۶) نشان می‌دهد که مقدار Z (۸/۸۹) از ۱/۹۶ بزرگتر است بنابراین فرض H_0 رد می‌شود. یعنی شرایط علی بر راهبردها با توجه به نقش میانجی مقوله‌ها تأثیر معنی داری دارد. نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که آماره VAF برابر با ۰/۵۰۳۷ می‌باشد. این بدان معناست که ۵۰/۳۷ درصد از اثر کل شرایط علی بر راهبردها از طریق متغیر میانجی مقوله‌ها تبیین می‌شود که مقدار قابل توجهی است.

فرضیه ۷- عوامل زمینه‌ای بر راهبردها از طریق راهبردها تأثیر معناداری دارد.

$$VAF = \frac{a * b}{(a * b) + c}$$

a: مقدار ضریب مسیر میان متغیر مستقل و میانجی
b: مقدار ضریب مسیر میان متغیر میانجی و وابسته
c: مقدار ضریب مسیر میان متغیر مستقل و وابسته

جدول ۷. آزمون VAF

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	ضریب مسیر	VAF
شرایط علی	مقوله‌ها	۰/۶۳	-
مقوله‌ها	راهبردها	۰/۸۷	-
شرایط علی	راهبردها	۰/۵۴	۰/۵۰۳۷۲۲۰۸۴

$$VAF = \frac{.63 \times .87}{(.63 \times .87) + .54} = 0.503722084$$

جدول ۸- نتایج حاصل از تحلیل مدل معادلات ساختاری: فرضیه ۷

فرضیه	نوع تأثیر	ضریب مسیر	آماره t	نتیجه فرضیه
عوامل زمینه‌ای ← راهبردها	مستقیم	۰/۷۴	۱۳/۱۹	تأیید
راهبردها ← پیامدها	مستقیم	۰/۶۹	۱۱/۴۸	تأیید
عوامل زمینه‌ای ← راهبردها ← پیامدها	غیرمستقیم	۰/۵۱	۱۲/۳۳	تأیید

بین عوامل زمینه‌ای و پیامدها نیز تأیید می‌شود. با تأیید نقش میانجی راهبردها، عوامل زمینه‌ای دارای اثر غیرمستقیم، مثبت و معناداری برابر با ۰/۵۱ بر روی پیامدها می‌باشد.

همانطور که نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد، عوامل زمینه‌ای بر راهبردها دارای اثر مثبت، مستقیم و معناداری برابر با ۰/۷۴ می‌باشد و همچنین راهبردها نیز بر روی پیامدها دارای اثر مثبت، مستقیم و معناداری برابر با ۰/۶۹ می‌باشد، لذا فرضیه شماره ۷ یعنی میانجی بودن راهبردها در رابطه

جدول ۹. آزمون متغیر میانجی آزمون سوبل

نتیجه آزمون	z-value			سطح معنی داری	مقدار t	متغیر ملاک	متغیر پیش بین
	گودمن	آرویان	سوبل				
رد H_0	۸,۶۷۳	۸,۶۴۵۳	۸,۶۵۹	۰/۰۰۱	۱۳/۱۹	راهبردها	عوامل زمینه‌ای
					۱۱/۴۸	پیامدها	راهبردها

جدول ۱۰- آزمون VAF

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	ضریب مسیر	VAF
عوامل زمینه‌ای	راهبردها	۰/۷۴	-
راهبردها	پیامدها	۰/۶۹	-
عوامل زمینه‌ای	پیامدها	۰/۵۱	۰/۵۰۳۷۲۲۰۸۴

نتایج جدول (۹) نشان می‌دهد که مقدار Z (۸/۶۵) از ۱/۹۶ بزرگتر است بنابراین فرض H_0 رد می‌شود. یعنی بین عوامل زمینه‌ای با پیامدها با توجه به نقش میانجی راهبردها رابطه معنی داری وجود دارد.

می‌باشد. این بدان معناست که ۵۰/۰۲ درصد از اثر کل عوامل زمینه‌ای بر پیامدها از طریق متغیر میانجی راهبردها تبیین می‌شود که مقدار قابل توجهی است.

فرضیه ۸- عوامل مداخله‌گر بر پیامدها از طریق راهبردها تأثیر معناداری دارد.

$$VAF = \frac{.74 \times .69}{(.74 \times .69) + .51} = 0.500293945$$

نتایج جدول (۹) نشان می‌دهد که مقدار Z (۸/۶۵) از ۱/۹۶ بزرگتر است بنابراین فرض H_0 رد می‌شود. یعنی عوامل زمینه‌ای بر پیامدها با توجه به نقش میانجی راهبردها تأثیر معنی داری دارد. نتایج جدول ۱۰ نشان می‌دهد که آماره VAF برابر با ۰/۵۰۰۲

جدول ۱۱. نتایج حاصل از تحلیل مدل معادلات ساختاری: فرضیه ۸

نتیجه فرضیه	نوع تأثیر	ضریب مسیر	آماره t
عوامل مداخله‌گر ← راهبردها	مستقیم	-۰/۸۵	-۱۷/۰۳
راهبردها ← پیامدها	مستقیم	۰/۶۹	۱۱/۴۸
عوامل مداخله‌گر ← راهبردها ← پیامدها	غیرمستقیم	۰/۵۸	۱۴/۲۵

بین عوامل مداخله‌گر و پیامدها نیز تأیید می‌شود. با تأیید نقش میانجی راهبردها، عوامل مداخله‌گر دارای اثر غیرمستقیم، مثبت و معناداری برابر با ۰/۵۸ بر روی پیامدها می‌باشد.

همانطور که نتایج جدول ۱۱ نشان می‌دهد، عوامل مداخله‌گر بر راهبردها دارای اثر منفی، معکوس و معناداری برابر با -۰/۸۵ می‌باشد و همچنین راهبردها نیز بر روی پیامدها دارای اثر مثبت، مستقیم و معناداری برابر با ۰/۶۹ می‌باشد، لذا فرضیه شماره ۸ یعنی میانجی بودن راهبردها در رابطه

جدول ۱۲- آزمون متغیر میانجی آزمون سوئل

نتیجه آزمون	z-value			سطح معنی داری	مقدار t	متغیر پیش بین	متغیر ملاک
	سوئل	آرویان	گودمن				
رد H_0	۹,۵۱۹۱	۹,۵۰۷۸	۹,۵۳۰	۰/۰۰۱	-۱۷/۰۳	راهبردها	عوامل مداخله‌گر
					۱۱/۴۸	پیامدها	راهبردها

$$VAF = \frac{.85 \times .69}{(.85 \times .69) + .58} = 0.50278611$$

جدول (۱۲) نشان می‌دهد که مقدار Z (۹/۵۱) از ۱/۹۶ بزرگتر است بنابراین فرض H_0 رد می‌شود. یعنی عوامل مداخله‌گر بر پیامدها با توجه به نقش میانجی راهبردها تأثیر معنی داری دارد. نتایج جدول ۱۳ نشان می‌دهد که آماره VAF برابر با ۰/۵۰۲۷ می‌باشد. این بدان معناست که ۵۰/۲۷ درصد از اثر کل عوامل مداخله‌گر بر پیامدها از طریق متغیر میانجی راهبردها تبیین می‌شود که مقدار قابل توجهی است.

نتایج جدول (۱۲) نشان می‌دهد که مقدار Z (۹/۵۱) از ۱/۹۶ بزرگتر است بنابراین فرض H_0 رد می‌شود. یعنی بین عوامل مداخله‌گر با پیامدها با توجه به نقش میانجی راهبردها رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول ۱۳. آزمون VAF

VAF	ضریب مسیر	متغیر ملاک	متغیر پیش بین
-	-۰/۸۵	راهبردها	عوامل مداخله‌گر
-	۰/۶۹	پیامدها	راهبردها
۰/۵۰۲۷۸۶۱۱۲	-۰/۵۸	پیامدها	عوامل مداخله‌گر



فرضیه ۹- شرایط علی بر پیامدها از طریق مقوله‌ها و راهبردها تأثیر معناداری دارد.

جدول ۱۴. نتایج حاصل از تحلیل مدل معادلات ساختاری: فرضیه ۹

فرضیه	نوع تأثیر	ضریب مسیر	آماره t	نتیجه فرضیه
شرایط علی ← مقوله‌ها * راهبردها	مستقیم	۰/۵۴	۱۳/۸۶	تأیید
مقوله‌ها * راهبردها ← پیامدها	مستقیم	۰/۶۰	۱۴/۴۲	تأیید
شرایط علی ← مقوله‌ها * راهبردها ← پیامدها	غیرمستقیم	۰/۳۲	۱۴/۱۴	تأیید

۰/۶۰ می‌باشد، لذا فرضیه شماره ۹ یعنی میانجی بودن مقوله‌ها * راهبردها در رابطه بین شرایط علی و پیامدها نیز تأیید می‌شود. با تأیید نقش میانجی مقوله‌ها * راهبردها، شرایط علی دارای اثر غیرمستقیم، منفی و معناداری برابر با ۰/۳۲ بر روی پیامدها می‌باشد.

همانطور که نتایج جدول ۱۴ نشان می‌دهد، شرایط علی بر مقوله‌ها * راهبردها دارای اثر مثبت، مستقیم و معناداری برابر با ۰/۵۴ می‌باشد و همچنین مقوله‌ها * راهبردها نیز بر روی راهبردها دارای اثر مثبت، مستقیم و معناداری برابر با

جدول ۱۵.. آزمون متغیر میانجی آزمون سوبل

نتیجه آزمون	z-value			سطح معنی داری	مقدار t	متغیر پیش بین	متغیر ملاک
	سوبل	آروبان	گودمن				
رد H ₀	۹,۹۹۲	۹,۹۸۰	۱۰,۰۰۵۱	۰/۰۰۱	۱۳/۸۶	شرایط علی	مقوله‌ها * راهبردها
					۱۴/۴۲	مقوله‌ها * راهبردها	پیامدها

$$VAF = \frac{.54 \times .60}{(.54 \times .60) + .32} = 0.50310559$$

نتایج جدول (۱۵) نشان می‌دهد که مقدار Z (۹/۹۹) از ۱/۹۶ بزرگتر است بنابراین فرض H₀ رد می‌شود. یعنی شرایط علی بر پیامدها با توجه به نقش میانجی مقوله‌ها * راهبردها تأثیر معنی داری دارد. نتایج جدول ۱۶ نشان می‌دهد که آماره VAF برابر با ۰/۵۰۳۱ می‌باشد. این بدان معناست که ۵۰/۳۱ درصد از اثر کل شرایط علی بر پیامدها از طریق متغیر میانجی مقوله‌ها * راهبردها تبیین می‌شود که مقدار قابل توجهی است.

اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر ظرفیت درآمد‌های مالیاتی ناشی از حقوق مالکیت معنوی

نتایج جدول (۱۵) نشان می‌دهد که مقدار Z (۹/۹۹) از ۱/۹۶ بزرگتر است بنابراین فرض H₀ رد می‌شود. یعنی بین شرایط علی با پیامدها با توجه به نقش میانجی مقوله‌ها * راهبردها رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول ۱۶. آزمون VAF

VAF	ضریب مسیر	متغیر ملاک	متغیر پیش بین
-	۰/۵۴	مقوله‌ها * راهبردها	شرایط علی
-	۰/۶۰	پیامدها	مقوله‌ها * راهبردها
۰/۵۰۳۱۰۵۵۹	۰/۳۲	پیامدها	شرایط علی

جدول ۱۷. جدول الگوی روابط علی برای معیارهای کلیدی ظرفیت درآمدهای مالیاتی ناشی از حقوق مالکیت معنوی

رتبه بندی	R-J	R+J	J	R	زیر معیارها
۱	1.450364	17.04025	7/794941	9/245305	بسترها
۲	1.357608	16.28133	7/461863	8/819471	شرایط علی
۳	-0/05975	8/145556	4/102651	4/042905	پیامدها
۴	-1/57588	6/292386	3/934135	2/358251	راهبردها
۵	-1/64278	7/595201	4/61899	2/976211	مداخله گرها
۶	-1/98201	7/751032	4/866521	2/884511	مقوله ها

درآمدهای مالیاتی ناشی از حقوق مالکیت معنوی دارد. ارزیابی همه ریز عناصر به مانند مراحل معیارهای سطح بالای مدل صورت می گیرد. جدول ۱۸، جدول R, J برای کلیه معیارها و زیر معیارها بر مبنای محاسبات انجام شده نشان دهنده رتبه بندی معیارها و عناصر مدل تحقیق می باشد.

نتایج حاصل از ستونهای (R-J) و (R+J) در جدول ۱۷ نشان می دهد که بسترها با مقادیر R, J, (R+J) و (R-J) به ترتیب (۹/۲۴۵۳۰۵، ۷/۷۹۴۹۴۱، ۱۷/۰۴۰۲۵ و ۱/۴۵۰۳۶۴) بیشترین تأثیر را در ظرفیت درآمدهای مالیاتی ناشی از حقوق مالکیت معنوی دارد و همچنین مقوله ها با مقادیر R, J, (R+J) و (R-J) به ترتیب (۲/۸۸۴۵۱۱، ۴/۸۶۶۵۲۱، ۷/۷۵۱۰۳۲ و -۱/۹۸۲۰۱) کمترین تأثیر را در ظرفیت

جدول ۱۸. جدول R, J برای کلیه زیر معیارهای کلیدی ظرفیت درآمدهای مالیاتی ناشی از حقوق مالکیت معنوی

رتبه بندی	R-J	R+J	J	R	زیر معیارها
۱	0.252219	2.743495	1/245638	1/497857	شرایط علی سازمانی
۲	0.209631	5.580813	2/685591	2/895222	مدیریتی
۳	0.155103	5.827061	2/835979	2/991082	سیاسی
۴	0.149217	2.970319	1/410551	1/559768	اقتصادی
۵	0.13118	3.134456	1/501638	1/632818	فرآیندی
۶	0.13007	5.02406	2/446995	2/577065	عملکردی
۷	0.105895	2.653177	1/273641	1/379536	پیامدهای سازمانی
۸	0.057982	3.165702	1/55386	1/611842	انسانی
۹	-0.00645	3.084086	1/545268	1/538818	ساختاری
۱۰	-0.08481	2.821623	1/453216	1/368407	ملی
۱۱	-0.09685	4.804879	2/450866	2/354013	سیستمی
۱۲	-0.15724	4.629893	2/393565	2/236328	سازمانها و ارگان ها
۱۳	-0.16908	3.647666	1/908375	1/739291	توانایی سازمانی
۱۴	-0.21942	2.915571	1/567493	1/348078	فنی
۱۵	-0.35752	5.154587	2/756052	2/398535	جامعه
۱۶	-0.597302	5.360209	2/978754	2/381455	سازمانی
۱۷	-0.67411	5.556732	3/115421	2/441311	پیامدهای ملی



۵- مقدمه

یکی از مهمترین عوامل در همه سازمان‌ها، علی‌الخصوص سازمان امور مالیاتی، نیروی انسانی است که به‌عنوان مهمترین سرمایه سازمان شناسایی میشوند. برای تغییر وضعیت در عامل نیروی انسانی بایستی به مواردی همچون جذب نیروی انسانی متخصص، ارتقای سطح توانایی و تخصص نیروهای موجود، آموزش ضمن خدمت برای کارکنان و جابجایی نیروهای متخصص بین ادارات توجه نمود. بدین منظور، ارتقای سطح کیفی دانش ماموران مالیاتی از طریق آموزشهای لازم و برگزاری دوره‌های مختلف و برخورداری از دانش موردنیاز در زمینه شغلی پیشنهاد می‌شود. یکی دیگر از عوامل مؤثر در تضعیف و عدم اثر بخشی سیاست‌ها و نهایتاً فرار مالیاتی وجود لایه‌های قانونی در قوانین و مقررات می‌باشد، این مسئله می‌تواند به تنهایی کارایی کل سیستم را مختل نماید. بدین منظور بایستی به ایجاد قوانین الزام‌آور برای دسترسی به اطلاعات یکپارچه بین دستگاههای دولتی، رفع خلاءهای قانونی، کاهش پیچیدگی قوانین و مقررات و همچنین به ساده سازی قوانین و توانایی درک آن برای تمامی افراد و فعالان اقتصادی توجه کرد. بنابراین تصویب قوانین الزام آور جهت دسترسی به اطلاعات مالی افراد در سیستم یکپارچه مالیاتی پیشنهاد می‌شود. برای ارتقای اعتماد در سیستم مالیاتی، بایستی عواملی همچون تغییر نگرش مردم و فعالان اقتصادی به عدم پرداخت مالیات توسط شهروندان، اعتماد مردم نسبت به دولت، اعتماد مردم نسبت به عادلانه بودن محاسبه مالیات و پرداخت آن و محسوس نمودن نحوه هزینه درآمدهای مالیاتی بهبود یابند. وقتی مردم مطمئن شوند که چارچوب قوانین مالیاتی برای همه در نظر گرفته شده و اجرا می‌شود و هیچ تبعیضی بین افراد جامعه وجود ندارد، خود را مطیع قانون دانسته و اطاعت از آن را واجب میدانند. به وجود آوردن حس مشارکت و اعتماد بین مردم از طریق شفاف سازی نحوه هزینه کرد درآمدهای مالیاتی توسط دولت و انعکاس اخبار آن در مطبوعات و رسانه‌های شنیداری و دیداری می‌توان به این مهم کمک کند. فساد اداری نیز عامل دیگری است که در این تحقیق به‌عنوان عامل مؤثر بر فرار مالیاتی از سوی خبرگان شناسایی شده

است. برای کاهش فساد اداری در سیستم مالیاتی بایستی به فراهم نمودن نحوه رسیدگی علی‌رأس برای فساد، ضعف مکانیزم اجرایی در انجام مجازات، نبود برنامه پیشگیری از فساد و فقدان قانون در جلوگیری از فساد اشاره کرد و برای رفع موارد مذکور، چاره‌اندیشی کرد با شناسایی و تحلیل دقیق مشکلات و ارائه راهکارهای مناسب، ایران می‌تواند ظرفیت درآمدهای مالیاتی ناشی از حقوق مالکیت معنوی را بهبود بخشد. این امر نه تنها به افزایش درآمدهای دولت کمک می‌کند، بلکه موجب توسعه نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها در کشور خواهد شد

۵-۱ نتایج فرضیه‌های پژوهش

فرضیه ۱. عوامل علی (سیاسی-کارکردی-سازمانی) بر مقولات (توانایی-سازمانی و مدیریتی-اداری) تأثیر بسزایی دارد.

نتایج فرضیه نشان می‌دهد که عامل علی تأثیر مستقیم، مثبت و معناداری بر مقوله دارد و شدت این تأثیر قوی است (۰/۶۳). بنابراین، فرضیه اول تحقیق تایید شد.

فرضیه ۲. مقوله تأثیر بسزایی بر استراتژی (اجتماعی-فنی) دارد.

نتایج فرضیه نشان می‌دهد که نوع تأثیر مستقیم، مثبت و مهمی بر استراتژی دارد و شدت این تأثیر قوی است (۰/۸۷). بنابراین فرضیه دوم تحقیق تایید شد.

فرضیه ۳. استراتژی تأثیر بسزایی بر نتایج (سطح ملی-سازمانی) دارد.

نتایج فرضیه نشان می‌دهد که استراتژی تأثیر مستقیم، مثبت و معناداری بر نتایج دارد و شدت این تأثیر قوی است (۰/۶۹). بنابراین فرضیه سوم تحقیق تایید شد.

فرضیه ۴. عوامل اساسی (نظام-انسانی-ساختاری-ملی) بر استراتژی تأثیر زیادی دارند.

نتایج فرضیه نشان می‌دهد که عامل اساسی تأثیر مستقیم، مثبت و مهمی بر استراتژی دارد و شدت این تأثیر قوی است (۰/۷۴). بنابراین، فرضیه چهارم تحقیق تایید شد.

فرضیه ۵. عوامل مداخله‌گر (سازمان-فرآیند-اقتصاد) بر استراتژی تأثیر بسزایی دارند.

نتایج فرضیه نشان می‌دهد شرایط علی بر مقوله‌ها * راهبردها دارای اثر مثبت، مستقیم و معناداری برابر با $0/54$ می‌باشد و همچنین مقوله‌ها * راهبردها نیز بر روی راهبردها دارای اثر مثبت، مستقیم و معناداری برابر با $0/60$ می‌باشد، لذا فرضیه شماره ۹ یعنی میانجی بودن مقوله‌ها * راهبردها در رابطه بین شرایط علی و پیامدها نیز تأیید می‌شود. با تأیید نقش میانجی مقوله‌ها * راهبردها، شرایط علی دارای اثر غیرمستقیم، منفی و معناداری برابر با $0/32$ بر روی پیامدها می‌باشد.

۵-۲ نتایج حاصل از مقایسه با سایر پژوهش‌ها

فرضیه ۱. عوامل علی (سیاسی-کارکردی-سازمانی) بر مقولات (توانایی-سازمانی و مدیریتی-اداری) تأثیر بسزایی دارد.

نتایج فرضیه نشان می‌دهد عامل علی تأثیر مستقیم، مثبت و معناداری بر مقوله دارد و شدت این تأثیر کاملاً قوی است ($0/63$). بنابراین، فرضیه اول تحقیق تأیید شد. نتایج فرضیه فوق با پژوهش‌های ماهرخ مقدم، مجیدی و مظفری (۱۳۹۸)، حبیبی و دره شیری (۱۳۹۳)، کوستاریکوا و چوپاتوا (۲۰۱۴)، کانور و اوانسون (۲۰۰۳) هم‌جهت و هم‌راستا می‌باشد.

فرضیه ۲. مقوله تأثیر بسزایی بر استراتژی (اجتماعی-فنی) دارد.

با توجه به اینکه مقدار عدد معنی دار (T-value) بین دو متغیر نوع و استراتژی برابر با $17/37$ و بزرگتر از $1/96$ است، پس نوع بر استراتژی تأثیر بسزایی دارد. همچنین از آنجایی که ضریب همبستگی (ضریب استاندارد) بین دو متغیر برابر با $0/87$ است، می‌توان نتیجه گرفت که نوع تأثیر مستقیم، مثبت و مهمی بر استراتژی دارد و شدت این تأثیر کاملاً قوی است ($0/87$). بنابراین فرضیه دوم تحقیق تأیید شد. نتایج فرضیه فوق با پژوهش‌های، کانور و اوانسون (۲۰۰۳)، میلر و اوکانل (۲۰۱۴) هم‌جهت و هم‌راستا می‌باشد.

فرضیه ۳. استراتژی تأثیر بسزایی بر نتایج (سطح ملی-سازمانی) دارد.

نتایج فرضیه نشان می‌دهد که استراتژی تأثیر مستقیم، مثبت و معناداری بر نتایج دارد و شدت این تأثیر کاملاً قوی

نتایج فرضیه نشان می‌دهد که عامل مداخله تأثیر معکوس، منفی و مهمی بر استراتژی دارد و شدت این تأثیر کاملاً قوی است. $0/85$ - بله. بنابراین نظریه پنجم تحقیق تأیید می‌شود.

فرضیه ۶. شرایط علی بر راهبردها از طریق مقوله‌ها تأثیر معناداری دارد.

نتایج فرضیه نشان می‌دهد شرایط علی بر مقوله‌ها دارای اثر مثبت، مستقیم و معناداری برابر با $0/63$ می‌باشد و همچنین مقوله‌ها نیز بر روی راهبردها دارای اثر مثبت، مستقیم و معناداری برابر با $0/87$ می‌باشد، لذا فرضیه شماره ۶ یعنی میانجی بودن مقوله‌ها در رابطه بین شرایط علی و راهبردها نیز تأیید می‌شود. با تأیید نقش میانجی مقوله‌ها، شرایط علی دارای اثر غیرمستقیم، مثبت و معناداری برابر با $0/54$ بر روی راهبردها می‌باشد.

فرضیه ۷. عوامل زمینه‌ای بر راهبردها از طریق راهبردها تأثیر معناداری دارد.

نتایج فرضیه نشان می‌دهد عوامل زمینه‌ای بر راهبردها دارای اثر مثبت، مستقیم و معناداری برابر با $0/74$ می‌باشد و همچنین راهبردها نیز بر روی پیامدها دارای اثر مثبت، مستقیم و معناداری برابر با $0/69$ می‌باشد، لذا فرضیه شماره ۷ یعنی میانجی بودن راهبردها در رابطه بین عوامل زمینه‌ای و پیامدها نیز تأیید می‌شود. با تأیید نقش میانجی راهبردها، عوامل زمینه‌ای دارای اثر غیرمستقیم، مثبت و معناداری برابر با $0/51$ بر روی پیامدها می‌باشد.

فرضیه ۸. عوامل مداخله‌گر بر پیامدها از طریق راهبردها تأثیر معناداری دارد.

نتایج فرضیه نشان می‌دهد عوامل مداخله‌گر بر راهبردها دارای اثر منفی، معکوس و معناداری برابر با $0/85$ می‌باشد و همچنین راهبردها نیز بر روی پیامدها دارای اثر مثبت، مستقیم و معناداری برابر با $0/69$ می‌باشد، لذا فرضیه شماره ۸ یعنی میانجی بودن راهبردها در رابطه بین عوامل مداخله‌گر و پیامدها نیز تأیید می‌شود. با تأیید نقش میانجی راهبردها، عوامل مداخله‌گر دارای اثر غیرمستقیم، مثبت و معناداری برابر با $0/58$ بر روی پیامدها می‌باشد.

فرضیه ۹. شرایط علی بر پیامدها از طریق مقوله‌ها و راهبردها تأثیر معناداری دارد.



مستقیم و معناداری برابر با ۰/۶۹ می‌باشد، لذا فرضیه شماره ۷ یعنی میانجی بودن راهبردها در رابطه بین عوامل زمینه‌ای و پیامدها نیز تأیید می‌شود. با تأیید نقش میانجی راهبردها، عوامل زمینه‌ای دارای اثر غیرمستقیم، مثبت و معناداری برابر با ۰/۵۱ بر روی پیامدها می‌باشد. نتایج فرضیه فوق با پژوهش‌های حبیب‌ا و دره شیری (۱۳۹۳)، کانور و اوانسون (۲۰۰۳) میلر و اوکانل (۲۰۱۴) هم‌جهت و هم‌راستا می‌باشد.

فرضیه ۸. عوامل مداخله‌گر بر پیامدها از طریق راهبردها تأثیر معناداری دارد.

نتایج فرضیه نشان می‌دهد عوامل مداخله‌گر بر راهبردها دارای اثر منفی، معکوس و معناداری برابر با ۰/۸۵- می‌باشد و همچنین راهبردها نیز بر روی پیامدها دارای اثر مثبت، مستقیم و معناداری برابر با ۰/۶۹ می‌باشد، لذا فرضیه شماره ۸ یعنی میانجی بودن راهبردها در رابطه بین عوامل مداخله‌گر و پیامدها نیز تأیید می‌شود. با تأیید نقش میانجی راهبردها، عوامل مداخله‌گر دارای اثر غیرمستقیم، مثبت و معناداری برابر با ۰/۵۸ بر روی پیامدها می‌باشد. نتایج فرضیه فوق با پژوهش‌های ماهرخ مقدم، مجیدی و مظفری (۱۳۹۸)، کوستاریکووا و چوباتوا (۲۰۱۴) هم‌جهت و هم‌راستا می‌باشد.

فرضیه ۹. شرایط علی بر پیامدها از طریق مقوله‌ها و راهبردها تأثیر معناداری دارد.

نتایج فرضیه نشان می‌دهد شرایط علی بر مقوله‌ها * راهبردها دارای اثر مثبت، مستقیم و معناداری برابر با ۰/۵۴ می‌باشد و همچنین مقوله‌ها * راهبردها نیز بر روی راهبردها دارای اثر مثبت، مستقیم و معناداری برابر با ۰/۶۰ می‌باشد، لذا فرضیه شماره ۹ یعنی میانجی بودن مقوله‌ها * راهبردها در رابطه بین شرایط علی و پیامدها نیز تأیید می‌شود. با تأیید نقش میانجی مقوله‌ها * راهبردها، شرایط علی دارای اثر غیرمستقیم، منفی و معناداری برابر با ۰/۳۲ بر روی پیامدها می‌باشد. نتایج فرضیه فوق با پژوهش‌های ماهرخ مقدم، مجیدی و مظفری (۱۳۹۸)، کوستاریکووا و چوباتوا (۲۰۱۴)، میلر و اوکانل (۲۰۱۴) هم‌جهت و هم‌راستا می‌باشد.

است (۰/۶۹). بنابراین فرضیه سوم تحقیق تأیید شد. نتایج فرضیه فوق با پژوهش‌های ماهرخ مقدم، مجیدی و مظفری (۱۳۹۸)، کانور و اوانسون (۲۰۰۳)، میلر و اوکانل (۲۰۱۴) هم‌جهت و هم‌راستا می‌باشد.

فرضیه ۴. عوامل اساسی (نظام-انسانی-ساختاری-ملی) بر استراتژی تأثیر زیادی دارند.

نتایج فرضیه نشان می‌دهد که عامل اساسی تأثیر مستقیم، مثبت و مهمی بر استراتژی دارد و شدت این تأثیر کاملاً قوی است (۰/۷۴).. بنابراین، فرضیه چهارم تحقیق تأیید شد. نتایج فرضیه فوق با پژوهش‌های حبیب‌ا و دره شیری (۱۳۹۳)، میلر و اوکانل (۲۰۱۴) هم‌جهت و هم‌راستا می‌باشد.

فرضیه ۵. عوامل مداخله‌گر (سازمان - فرآیند - اقتصاد) بر استراتژی تأثیر بسزایی دارند.

نتایج فرضیه نشان می‌دهد که عامل مداخله‌گر تأثیر معکوس، منفی و مهمی بر استراتژی دارد و شدت این تأثیر کاملاً قوی است. ۰/۸۵- بله. بنابراین نظریه پنجم تحقیق تأیید می‌شود. نتایج فرضیه فوق با پژوهش‌های حبیب‌ا و دره شیری (۱۳۹۳)، کوستاریکووا و چوباتوا (۲۰۱۴)، کانور و اوانسون (۲۰۰۳) هم‌جهت و هم‌راستا می‌باشد.

فرضیه ۶. شرایط علی بر راهبردها از طریق مقوله‌ها تأثیر معناداری دارد.

نتایج فرضیه نشان می‌دهد شرایط علی بر مقوله‌ها دارای اثر مثبت، مستقیم و معناداری برابر با ۰/۶۳ می‌باشد و همچنین مقوله‌ها نیز بر روی راهبردها دارای اثر مثبت، مستقیم و معناداری برابر با ۰/۸۷ می‌باشد، لذا فرضیه شماره ۶ یعنی میانجی بودن مقوله‌ها در رابطه بین شرایط علی و راهبردها نیز تأیید می‌شود. با تأیید نقش میانجی مقوله‌ها، شرایط علی دارای اثر غیرمستقیم، مثبت و معناداری برابر با ۰/۵۴ بر روی راهبردها می‌باشد. نتایج فرضیه فوق با پژوهش‌های کانور و اوانسون (۲۰۰۳)، هم‌جهت و هم‌راستا می‌باشد.

فرضیه ۷. عوامل زمینه‌ای بر راهبردها از طریق راهبردها تأثیر معناداری دارد.

نتایج فرضیه نشان می‌دهد عوامل زمینه‌ای بر راهبردها دارای اثر مثبت، مستقیم و معناداری برابر با ۰/۷۴ می‌باشد و همچنین راهبردها نیز بر روی پیامدها دارای اثر مثبت،

۳-۵. پیشنهادات مبتنی بر نتایج پژوهش

فرضیه ۱. عوامل علی (سیاسی-کارکردی-سازمانی) بر مقولات (توانایی-سازمانی و مدیریتی-اداری) تأثیر بسزایی دارد.

تحلیل تأثیر سیاست‌های دولت (سیاست‌های مالیاتی و حمایت‌های قانونی) و بررسی نقش ساختارهای سازمانی (ادارات مالیاتی و ثبت اختراعات) بر توانایی سازمانی و مدیریتی در بهبود ظرفیت درآمدهای مالیاتی.

فرضیه ۲. مقوله تأثیر بسزایی بر استراتژی (اجتماعی-فنی) دارد.

ارزیابی اثرات مقوله‌های توانمندی سازمانی و مدیریتی بر توسعه استراتژی‌های فنی و اجتماعی به منظور افزایش جمع‌آوری مالیات از حقوق مالکیت

فرضیه ۳. استراتژی تأثیر بسزایی بر نتایج (سطح ملی-سازمانی) دارد.

مطالعه تأثیر استراتژی‌های تعریف شده (اجتماعی و فنی) بر نتایج اقتصادی و مالی در سطح ملی و سازمانی، به‌ویژه در زمینه افزایش درآمدهای مالیاتی مرتبط با حقوق مالکیت معنوی

فرضیه ۴. عوامل اساسی (نظام-انسانی-ساختاری-ملی) بر استراتژی تأثیر زیادی دارند.

بررسی اثرات عوامل اساسی مانند ساختار نظام مالیاتی، نیروی انسانی متخصص، ساختارهای حقوقی و ملی بر استراتژی‌های جمع‌آوری مالیات از حقوق مالکیت معنوی

فرضیه ۵. عوامل مداخله‌گر (سازمان - فرآیند - اقتصاد) بر استراتژی تأثیر بسزایی دارند.

تحلیل تأثیر عوامل مداخله‌گر مانند سازمان‌ها (سازمان‌های مالیاتی و اقتصادی)، فرآیندها (روش‌های جمع‌آوری مالیات)

و شرایط اقتصادی بر استراتژی‌های مالیاتی مرتبط با حقوق مالکیت معنوی

فرضیه ۶. شرایط علی بر راهبردها از طریق مقوله‌ها تأثیر معناداری دارد.

مطالعه اثرات شرایط علی (سیاست‌ها و ساختارها) بر راهبردهای جمع‌آوری مالیات از طریق بررسی مقوله‌های توانمندی سازمانی و مدیریتی

فرضیه ۷. عوامل زمینه‌ای بر راهبردها از طریق راهبردها تأثیر معناداری دارد.

ارزیابی تأثیر عوامل زمینه‌ای (شرایط اقتصادی و اجتماعی) بر راهبردهای جمع‌آوری مالیات از طریق بررسی استراتژی‌های مالیاتی

فرضیه ۸. عوامل مداخله‌گر بر پیامدها از طریق راهبردها تأثیر معناداری دارد.

تحلیل تأثیر عوامل مداخله‌گر (سازمان‌ها، فرآیندها، شرایط اقتصادی) بر پیامدهای مالیاتی از طریق ارزیابی استراتژی‌های جمع‌آوری مالیات.

فرضیه ۹. شرایط علی بر پیامدها از طریق مقوله‌ها و راهبردها تأثیر معناداری دارد.

بررسی تأثیر شرایط علی (سیاست‌ها و ساختارها) بر پیامدهای مالیاتی از طریق مقوله‌های توانمندی سازمانی و مدیریتی و راهبردهای مالیاتی مرتبط با حقوق مالکیت معنوی. این پیشنهادات می‌تواند به محققان و سیاست‌گذاران کمک کند تا به‌طور سیستماتیک عوامل مؤثر بر ظرفیت درآمدهای مالیاتی ناشی از حقوق مالکیت معنوی را تحلیل و ارزیابی کنند و بر اساس این تحلیل‌ها، سیاست‌ها و استراتژی‌های مناسبی را برای بهبود این ظرفیت‌ها توسعه دهند.

technological change?. *Oxford Economic Papers*, 55(2), 235-264.

1. Košťurková, I., & Chobotová, M. (2014). New trends in intellectual property and tax burden of innovative corporations. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 110, 93-102.

12. Maherkh Moghadam, Mojdeh, Majidi Kahrodi, Nasim, Mozafari, Afsana. (2019). Identifying factors affecting intellectual property rights in cyberspace. *New Media Studies*, 6(23), 259-284. doi: 10.22054/nms.2021.44138.772.

13. Merrill, P., Shanahan Jr, J. R., Gómez, J., Glon, G., Grocott, P., Lamers, A., ... & Linczer, A. (2012). Is it time for the United States to consider the patent box?. *Tax Notes*, 95, 1665-1675.

14. Nejadnouri, Mohammad Mehdi, Pour Ramadan Nargesi, Qasim, Haj Hosseini, Hojatullah, Sadri, Mohammad. (2017). The model of the intellectual property rights system of the Islamic Republic of Iran with the interpretive structural modeling approach. *Interdisciplinary studies of strategic knowledge*, 8(32), 7-31.

15. Salmani, Mohammad. (2017). The right to access information and copyright in cyber space", scientific-research quarterly of medical law. 10 (5), pp. 7-35.

16. Schneider, P. H. (2005). International trade, economic growth and intellectual property rights: A panel data study of developed and developing countries. *Journal of Development Economics*, 78(2), 529-547.

16. Schneider, P. H. (2005). International trade, economic growth and intellectual property rights: A panel data study of developed and developing countries. *Journal of Development Economics*, 78(2), 529-547.

منابع

۱. احمدزاده. (۱۳۹۴). نقش نظام حقوق مالکیت فکری در توسعه اقتصاد دانش محور. فصلنامه نقد کتاب اطلاع رسانی و ارتباطات، ۲(۵)، ۱۸۵-۱۹۰.
۲. آزموده، هادی زاده. و محمدزاده. (۲۰۲۲). شناسایی عوامل موثر بر ظرفیت درآمدهای مالیاتی ناشی از حقوق مالکیت معنوی با استفاده از نظریه داده بنیاد چندوجهی. مدیریت، ۳(۲)، ۱۵۱-۱۶۷.
۳. پورابراهیمی، ابراهیم، نجات زادگان، سعید. و نجات زادگان، حمید. (۱۳۹۷). مدیریت دارایی‌های فکری و تبدیل مالکیت فکری به دارایی‌های منفعت ساز، موسسه دارایی‌های فکری و فناوری مدرس، کتابچه آموزشی ترویجی آشنایی باحقوق مالکیت فکری و ثبت اختراع، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی، ۴۵، ۸۰-۸۰.
۴. حبیب، سعید، و معتمدی، غلامحسین. (۱۳۸۵). حمایت از دانش سنتی به عنوان یکی از اجزای حقوق مالکیت فکری. مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)، (۷۲)، ۱۲۳-۱۶۲.
۵. عباسی، محمود؛ معین اسلام، محمد. و اکرمی، فرزوان. (۲۰۱۶). جایگاه و چالش‌های ایران در حمایت بین‌المللی از حقوق مالکیت آثار ادبی و هنری. مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی، ۹، ۱۱-۴۶.
6. Farazmand, H., & Baharvand Ahmadi, E. (2009). The Study of Factors Involved in the Tax Capacity of Lorestan Province. *Journal of Tax Research*, 16(3), 141-168.
7. Goolsbee, A. (1998). Taxes, organizational form, and the deadweight loss of the corporate income tax. *Journal of Public Economics*, 69(1), 143-152.
8. Griffith, R., Miller, H., & O'Connell, M. (2014). Ownership of intellectual property and corporate taxation. *Journal of Public Economics*, 112, 12-23.
9. Habiba, Saeed and Dareh-Shiri, Mahdia. (2014). Intellectual property income tax. *Legal Research Quarterly*, 18(69), 57-82.
10. Kanwar, S., & Evenson, R. (2003). Does intellectual property protection spur